

## «مبارزه با تروریسم» ادعایی کاذب است!

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

پس از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به مرکز تجارت جهانی و ساختمان وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون)، دولت بوش رییس جمهور آمریکا، «جنگ با تروریسم» را اعلام نمود. اکنون نیز بعد از گذشت چهار سال از این واقعه هولناک و تکان‌دهنده، با اتکا به واقعیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی به آسانی می‌توان حدث زد که جنگ با تروریسم، تاکنون جز راه انداختن لشکرکشی و جنگ و اشغال نظامی افغانستان و عراق و تهدید «دولت‌های سرکش» و هر چه بیش‌تر ناامن کردن جهان، دستاورد دیگری نداشته است.

داستان غریبی‌ست؛ چرا که دولت ایالات متحده آمریکا، در حالی که سردمدار تروریسم دولتی در سطح جهان است و پلیس مخفی آن، یعنی «سازمان سیا»، مستقم و غیرمستقیم در سازمان‌دهی بسیاری از کودتاهای خونین در کشورهای آمریکای لاتین و قاره آفریقا و آسیا نقش داشته است؛ سلاح‌های مرگ‌بار در اختیار دولت‌های طرفدار خود قرار می‌دهد؛ نظامیان و پلیس مخفی‌های اکثریت دولت‌های دیکتاتوری جهان را آموزش می‌دهد؛ بیش از پنج دهه است به دولت اسرائیل کمک می‌کند تا به طور شبانه روز به سرکوب و کشتار و ترور مردم حق‌طلب فلسطین و اشغال نظامی این کشور ادامه دهد و بسیاری از جریانات تروریستی اسلامی را از جمله «القاعده» را سازمان‌دهی و مسلح کرده است. علاوه بر این‌ها دولت آمریکا، حتی قوانین بین‌المللی بورژوازی در سطح جهان را نیز رعایت نمی‌کند. ایالات متحده آمریکا، در سال ۱۹۸۶ به خاطر استفاده غیرقانونی از زور در دادگاه جهانی محکوم شد و متعاقب آن، قطع‌نامه شورای امنیت را که طی آن از ایالات متحده درخواست شده بود از قوانین بین‌المللی تبعیت کند، وتو کرد، چگونه چنین دولتی پرچم‌دار مبارزه با تروریسم است؟ آیا چنین دولتی می‌تواند واقعا مدعی رهبری مبارزه با تروریسم باشد؟! واقعیت‌ها و عملکردهای سیاسی-نظامی تاکنونی ایالات متحده نشان داده است که به دنبال اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیستی خودش است نه برانداختن تروریسم.

در هفته‌های اخیر مردم جهان، با حیرت و نگرانی از طریق رادیو و تلویزیون‌ها در جریان بمب‌گذاری‌های هولناک و کشتن انسان‌های بی‌گناه از بریتانیا تا مصر قرار گرفتند. دیدن تصویر اجساد تکه‌تکه شده انسان‌ها در میان لاشه اتوبوس‌ها و قطارها و هتل‌ها و اماکن توریستی، هولناک است.

انفجارهای نخست در بامداد پنج‌شنبه ۷ ژوئیه ۲۰۰۵، شهر لندن را لرزاند. سه بمب در قطارهای مترو لندن و بمب دیگری در یک اتوبوس دو طبقه مسافربری شهری منفجر شد که در اثر آن، بیش از ۵۶ تن کشته و حدود ۷۰۰ نفر زخمی شدند. همچنین ۲۵ نفر دیگر نیز مفقودالثر اعلام شدند. بمب‌گذاری در ایستگاه‌های متروی لیورپول استریت، کینگزکراس، اجور رود و اتوبوس خط ۳۰ که در میدان تاویستاک منفجر شد رعب و وحشت زیادی در جامعه بریتانیا به وجود آورد. این انفجارها به حدی شدید و غیرمترقبه بود که زندگی عادی را در پایتخت بریتانیا مختل کرد و فقط یکی از مراکز اورژانس لندن، پاسخ‌گوی بیش از ۱۲۰ هزار تماس در ارتباط با این انفجارها بود.

انفجار دوم در جزیره «قوش آداسی» ترکیه واقع در دریای اژه رخ داد. در انفجار روز شنبه ۱۷ جولای در یک مینی بوس، دست‌کم پنج کشته و ۱۳ مجروح بر جای گذاشت. شش روز قبل نیز بمبی در شهر «چشمه»، منفجر شد که در اثر آن حدود ۲۰ نفر مجروح شدند.

انفجارهای سوم لندن را می‌توان هشدار عاملان این اعمال تروریستی تلقی کرد. به دنبال این واقعه، اغلب خطوط متروی لندن، از فعالیت باز ایستاد. منابع پلیس اعلام کردند بمب‌هایی که پنج‌شنبه ۲۱ جولای در لندن به صورت ناقص منفجر شد از قدرت انفجاری مشابه بمب‌هایی برخوردار بودند که ۷ جولای در شبکه مترو و اتوبوسرانی این شهر منفجر شده بود. نیروهای پلیس با شلیک پنج گلوله به سوی یک فرد مظنون در ایستگاه «استاک ول» در جنوب شهر لندن او را از پا درآوردند که بعد معلوم شد متوفی تروریست نبوده است.

انفجارهای چهارم در مصر، جان‌دها انسان‌ها را گرفت و ویرانی‌هایی در مراکز توریستی به بار آورد. بدنبال انفجارهای پی‌درپی در شهر ساحلی شرم‌الشیخ مصر، ۸۸ نفر جان خود را از دست دادند و صدها نفر دیگر نیز زخمی شدند. بنا به گزارش آسوشیتدپرس این حملات که یکی از شدیدترین حملات تروریستی در مصر است، دو خودروی بمب‌گذاری شده که به نظر می‌رسید عاملان حملات انتحاری آن‌ها را می‌رانند درست سر ساعت ۱،۱۵ دقیقه صبح ۲۴ جولای، در حالی که تنها ۳ کیلومتر از یکدیگر فاصله داشتند منفجر شدند. بمب سومی که گفته می‌شود داخل یک ساک جاسازی شده بود، کنار ساحل، جایی که تروریست‌ها پیاده‌روی می‌کردند منفجر شد. براساس همین گزارش، لابی هتل ۱۷۶ اتاق خوابه باغ‌های غزال به ویرانه‌ای پوشیده از سیمان تبدیل شد.

بمب‌گذاری‌های سال قبل مادرید، اندونزی، پاکستان و غیره نیز همگی نشان‌دهنده این واقعیت است که تروریسم دولتی از یک‌سو و تروریسم شبکه‌های اسلامی و غیراسلامی از سوی دیگر امنیت مردم جهان را در معرض خطر دائمی قرار داده‌اند.

حقیقتاً از روزی که پای نیروهای اشغالگر و سرکوبگر ایالات متحده آمریکا و متحدانش به عراق رسیده، نه تنها حتی یک روز هم مردم این کشور آب خوش از گلویشان پایین نرفته است، بلکه

تروریسم دستجات اسلامی در سطح جهانی نیز گستاخ‌تر و وحشی‌تر شده است. روزی نیست که تروریسم دولتی و غیردولتی جان ده‌ها انسان بی‌گناه در این کشور را نگیرد. تحقیقات در عراق نشان می‌دهد که وضعیت مردم نه تنها بهبود نیافته، بلکه روزبه‌روز هم بدتر و ناامن‌تر می‌گردد. برای مثال بنا به گزارش یک نهاد بشردوست با نام «عراقیون»، از آغاز جنگ آمریکا در عراق در مارس ۲۰۰۳ تاکنون، ۱۲۸ هزار عراقی جانانشان را از دست داده‌اند. این گزارش در سایت «ورلد پیس هیرالد» منتشر شده است و این آمار شامل تمامی عراقی‌ها می‌باشد که در جریان جنگ دو سال گذشته کشته شده‌اند و اکثریت قربانیان را کودکان کم‌تر از ۱۲ سال تشکیل می‌دهند.

تریبونال بین‌المللی عراق که اخیراً در استانبول برگزار شد، «حنا ابراهیم» نویسنده و روزنامه‌نگار عراقی، در بخش پایانی این تریبونال، در مورد خشونت‌هایی که بر زنان عراقی می‌رود، شهادت داد. حنا ابراهیم مدیر مرکز فرهنگی زنان عراق بود که اکنون در «Chair of Womens will» فعالیت می‌کند و سردبیر نشریه آن است. وی در ابتدای سخنانش گفت: «... بوش در یک سخنرانی که در یک سازمان بین‌المللی در مورد حمله به عراق ایراد کرد گفت، آمریکا به عراق می‌رود تا زنان عراق را آزاد کند. اما به خاطر زن بودن در فلوجه، در بغداد، و در سایر مناطق به شدت هزینه پرداخته‌ایم. نمونه‌ها هم در شهرها و هم در روستاها بسیار است. زنان قربانی بی‌دادگری شده‌اند. زنان بسیاری تنها با یک گلوله که به سرشان شلیک شد کشته شدند. ۷۲ زن بدین طریق طی ۶ رز جنگ فلوجه به قتل رسیدند و تنها کاری که کرده بودند این بود که در خانه را باز کردند و به آن‌ها شلیک شد.» وی با تأکید به فشارهای اقتصادی، مذهبی و اجتماعی که بر دوش زنان سنگینی می‌کند، افزود: «از همان روز که اشغال در عراق آغاز شد، خشونت سیستماتیک علیه زنان و حقوق آنان نیز آغاز شد. زنان را ربودند، به آن‌ها تجاوز کردند و حتی آن‌ها را برای کار در شبکه (تن‌فروشی) به کشورهای دیگر بردند. من با یکی از این‌ها که در دستجاتی است که زنان را می‌برند صحبت کردم. او به من گفت اگر یک زن باکره نباشد، بهای او بیش از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار نیست، ولی اگر باکره باشد ارزشش بسیار بیش‌تر است. اگر زنی سالم باشد و بتوان ارگان‌های بدن او را فروخت به‌بیش می‌تواند تا ۱۰۰۰۰ دلار بالا برود، در حالی که در خود عراق این‌ها ارزشی ندارند. آن وقت این نوع جنایات در مورد زنان به طور روزانه توسط سازمان مافیایی و منسجم انجام می‌شود. این چیزها قبل از اشغال در عراق وجود نداشت... در رسوایی ابوغریب، شما شاهد بودید شناخت صحنه‌ها از هر مرزی فراتر رفت. من می‌خواهم این‌جا دوباره سئوالی را مطرح کنم که بسیاری از شما هم قبلاً آن را پرسیده‌اید: چرا زنان بازداشتی را لخت نگاه می‌داشتند؟ چرا آن‌ها را وادار می‌کردند در مقابل زندانیان مرد لخت راه بروند؟ و چرا مردان لخت را وادار می‌کردند به سلول‌هایی بروند که در آن‌ها زنان زندانی را لخت نگاه می‌داشتند. ما همه این‌ها را مستند کرده‌ایم. اتحادیه پزشکان اسناد را بر مبنای عکس‌هایی که خود

آمریکایی‌ها گرفته‌اند جمع‌آوری کرده است...» وی در پایان به مسئله بیکاری در عراق اشاره کرد و گفت: «امنیت اقتصادی برای خانواده‌ها صفر است. می‌توانم ارقام بیکاری را بر مبنای گزارش یک سازمان بین‌المللی بدهم. بیکاری ۷۲ درصد است که در مورد زنان به ۹۰ درصد می‌رسد. به همین ترتیب مشارکت زنان در فعالیت اجتماعی به شدت کاسته شده است. زنان تنها در کارهای خانگی فعالیت دارند، مثل خدمت‌کار خانه، تمیز کردن، کارهای پست و برای این کارها مزد بسیار پایینی می‌گیرند. فحشاء افزایش یافته و زنان و کودکان گدا زیاد شده‌اند...»

در افغانستان نیز هنوز امنیت برقرار نشده است. بنا به اعلام سخنگوی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل "یونیسف" در افغانستان، روزانه ۷۷۰ کودک زیر ۵ سال به دلیل فقر، نبودن تغذیه مناسب، کمبود آب آشامیدنی، امکانات بهداشتی و درمانی در این کشور جان خود را از دست می‌دهند. براساس همین گزارش، وضعیت زنان نیز به علت فقر مالی و کمبود امکانات معیشتی و بهداشتی بسیار وخیم است. همچنین روزانه ۷۰ زن در حال زایمان، جان خود را از دست می‌دهند.

بدین ترتیب، پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، ادعاهای دولت ایالات متحده آمریکا و متحدانش مبنی بر «جنگ علیه تروریسم» نه تنها نتوانسته تروریسم را مهار کند، بلکه با اشغال نظامی افغانستان و عراق نیز عملاً به تروریسم بین‌المللی کمک کرده است. چرا که بسیاری از دولت‌های جهان مستقیم و غیرمستقیم آن‌چنان مشغول معاملات اقتصادی، سیاسی و نظامی با دیکتاتورترین حکومت‌ها جهان هستند که جنایات آن‌ها علیه بشریت برایشان کم‌ترین اهمیتی ندارد. برای مثال دولت نژادپرست اسرائیل این همه جنایت در فلسطین می‌کند و یا این که جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم تروریست که صدها پرونده تروریستی نیز در آرشیوهای پلیس مخفی جهان دارد، ده‌ها هزار انسان را اعدام کرده است که حتی از اعدام نوجوانان نیز ابایی ندارد، با این وجود جمهوری اسلامی، یکی از مهم‌ترین شرکای اقتصادی دولت‌هایی نظیر سوئد، فرانسه، انگلستان، آلمان و غیره است. بنابراین سیستم سرمایه‌داری جهانی و در راس همه دولت آمریکا، عامل اصلی فقر و فلاکت و استثمار و سرکوب و کشتار و ترور در سطح جهان است و هیچ مبارزه جدی نیز توسط دولت‌های به اصطلاح دمکراتیک علیه رژیم‌های دیکتاتور سرکوبگر و دار و دسته‌های تروریستی اسلامی و مافیایی ضدانسان صورت نمی‌گیرد.

دولت‌های به اصطلاح دمکراتیک جهان، به یاد جانباختگان ترورهای لندن دقیقی سکوت کردند، بسیار خوب است، اما پرسیدنی است آیا همین دولت‌ها تاکنون چرا یک بار هم برای جانباختگان ده‌ها هزار از مردم عراق و افغانستان که بیش‌ترین آن‌ها هم زنان و کودکان و مردم عادی بیگناه هستند، یک دقیقه سکوت اعلام نکرده‌اند؟ این تبعیض آشکار از کجا و از چه سیاستی نشات می‌گیرد؟!

مسلم است که دولت‌های امپریالیستی و در راس همه دولت ایالات متحده آمریکا، با جنگ و خشونت و استثمار وحشیانه‌ای که در سطح جهان راه انداخته‌اند، عامل اصلی همه مصائب و بدبختی و فلاکت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی بر علیه بشریت هستند. تروریست‌های وحشی اسلامی، در قطارها و اتوبوس‌ها و اماکن عمومی و توریستی بمب منفجر می‌کنند، متاثر از همین سیاست‌های سیستم سرمایه‌داری‌اند. از این‌رو، ادعاهای دولت‌های سرمایه‌داری و در راس همه امپریالیسم آمریکا در «مبارزه با تروریسم» ادعایی غیرواقعی و کاذب است. چرا که خود این دولت‌ها مستقیم و غیرمستقیم عامل اصلی ناامنی و نابرابری و جنگ و خشونت و رعب و وحشت و ترور در جوامع بشری هستند.

قطعا هیچ فرد و جریان آزادی‌خواه و انسان‌دوستی نمی‌تواند مهر تاییدی بر اعمال دولتی، غیردولتی، اسلامی و غیراسلامی تروریستی بگذارد. این عملیات تروریستی و کشتار مردم بی‌دفاع و بیگناه از سوی هر جریانی صورت گرفته باشد کاری غیرانسانی و وحشیانه است و باید سریعاً محکوم گردد. بر این اساس، افکار عمومی بین‌المللی این سؤال را از رسانه‌های گروهی و دولت‌های به اصطلاح دموکراتیک و مدافع حقوق بشر، دارد که چرا در رابطه با کشتارهای روزانه در عراق و افغانستان و نابودی مردم این کشورها عکس‌العمل مناسب از خود نشان نمی‌دهند؟!

این جهان وارونه و سرکوب و کشتار و رعب و وحشت و ترور دولتی و غیردولتی شایسته هیچ جامعه‌ای نیست. بنابراین جامعه جهانی، همه نیروهای برابری‌طلب و آزادی‌خواه و کمونیست در پیشاپیش همه طبقه کارگر آگاه و متشکل می‌تواند جلو این همه وحشیگری بورژوازی را بگیرد و جهان دیگری بسازد که درخور و شایسته انسان باشد. جهانی که در آن همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن ملیت، جنسیت، مذهب و عقاید سیاسی آزاد و برابر باشند و هیچ انسانی بر انسان دیگر برتر شمرده نشود. جهانی که در آن استثمار انسان از انسان از بین برود. جهانی که عمیقاً با جنگ و خشونت و دیکتاتوری، زندان و زندانی سیاسی، شکنجه و اعدام و ترور مخالف است. بنابراین برای ساختن چنین جامعه‌ای باید هر کس و هر جریانی نسبت به توان و ظرفیت و جایگاهی که دارد گام‌های نظری و عملی موثر و هدف‌مندی بردارد.

یکم اوت ۲۰۰۵

\* برگرفته از جهان امروز شماره ۱۵۴